



دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

دوره چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۵)، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۴۵-۶۲.

شاپا الکترونیکی: ۱۱۵۹-۲۷۱۷ / شاپا چاپی: ۴۸۱۰-۲۶۷۶

مقاله پژوهشی / DOI: 10.30470/ER. 2023.1990954.1200

تحلیلی بر هویت معرفتی دانش اخلاق کاربردی اسلامی

محمد جواد فلاح^۱

چکیده

اخلاق کاربردی را می‌توان به عنوان شاخه‌ای از اخلاق هنجاری شناخت که عهده‌دار حل مسائل اخلاقی به‌ویژه در دوراهی‌ها و تعارض‌های اخلاقی است. این شاخه از اخلاق را می‌توان با سنجی آموزه‌های اسلامی مورد بازخوانی و بازسازی قرارداد. در این صورت می‌توان از امکان اخلاق کاربردی اسلامی سخن گفت. اخلاق کاربردی اسلامی می‌تواند در تمام مراحل حل یک مسئله اخلاقی از تصور، داوری و قضاوت، حکم اخلاقی، تصمیم و اجرای آن پیشنهادهایی را ارائه کند. در این صورت می‌توان برای اخلاق کاربردی اسلامی ضمن بیان تعریف کاربردی و عملیاتی، به منابع، مبانی، اصول و روش‌های حل مسائل اخلاقی در موقعیت‌های خاص و دشوار پرداخت. این مقاله عهده‌دار تبیین این مسئله در عرصه‌ی امکان و عمل و ارائه‌ی یک الگوی حداقلی از اخلاق کاربردی اسلامی و ارائه‌ی یک تعریف پیشنهادی است. این دانش مرتبط با حوزه‌ی علوم اسلامی می‌تواند ظرفیت عظیمی را برای عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و حرفه‌ها برای گره‌گشایی در مسائل اخلاقی فراهم کند.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، هویت اخلاق کاربردی، امکان اخلاق کاربردی اسلامی، تعریف اخلاق اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

۱. دانشیار گروه اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. fallah@maaref.ac.ir



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 * <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

مقدمه

یکی از حوزه‌های دانشی که در جهان امروز مورد توجه است و برای حل چالش‌های اخلاقی مورد پیشنهاد و مطالعه‌ی نظام‌مند حوزه‌های علمی و حرفه‌ای است، حوزه‌ی دانشی اخلاق کاربردی است. این قسم از دانش که با اخلاق هنجاری برای یافتن خوب و بد اخلاقی هم‌داستان است، اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن حل مسائل دشوار اخلاقی در موقعیت‌های خاص است.

پژوهش‌هایی در این حوزه‌ی علمی برای شناساندن و معرفی این شاخه از دانش اخلاق صورت گرفته است. برخی با توجه به غایت و هدف اخلاق کاربردی و وظایفی که به دوش این شاخه‌ی علمی از اخلاق است، به معرفی آن پرداخته (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵-۲۰۴) و برخی نیز در صدد معرفی شناسنامه‌ی علمی اخلاق کاربردی برآمده‌اند (اسلامی، ۱۳۹۳، صص ۷-۲۲). از سویی برخی پژوهشگران این حوزه نیز با بیان ویژگی‌های ایجابی و سلبی و اینکه اخلاق کاربردی چه چیز هست و چه چیز نیست، این شاخه‌ی علمی را تبیین کرده‌اند (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۳-۹۶). این پژوهش‌ها بیشتر به ارائه‌ی تصویری از اخلاق کاربردی موجود و تعریف و بیان مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند. با این وصف هدف این مقاله تبیین امکان ارائه‌ی تعریف اسلامی از این حوزه‌ی دانشی و درنهایت تعریف پیشنهادی برای اخلاق کاربردی اسلامی است.

فارغ از تحلیل رویکردهای موجود به اخلاق کاربردی بر اساس نظریات هنجاری و وظیفه‌گرا، غایت‌گرا و فضیلت‌گرا، بررسی این مسئله بر اساس دیدگاه اسلامی می‌تواند زمینه‌ی شکل‌گیری این حوزه‌ی علمی در مسیر اسلامی شدن علوم باشد. البته ما در این باره یک مسئله را به عنوان پیش‌فرض پذیرفته‌ایم و آن امکان اخلاق دینی است. اخلاق دینی که در اینجا مقصود ما از آن اخلاق اسلامی است، به تعبیر دقیق اخلاق منتسب به دین اسلام است که از منابع و آموزه‌های این دین استنباط می‌شود. با توجه به این پیش‌فرض که در جای خود مورد بررسی اهل پژوهش قرار گرفته و قائل به ترابط اخلاق و دین هستند (رقوی، ۱۳۹۹، ص ۴۷)، این پرسش اساسی مطرح است که با فرض چنین دیدگاهی چگونه می‌توان از ظرفیت آن در حل چالش‌ها و دوره‌های اخلاقی بهره برد. آیا ما در منابع و متون و سیره‌ی عملی مسلمانان با مسائل اخلاقی پیچیده در شرایط خاص روبرو بوده‌ایم یا خیر؟ و در این صورت چگونه و از چه روش‌هایی برای مواجهه با این مسائل و دشواری‌های اخلاقی بهره می‌بریم؟ پاسخ به چنین پرسشی محتاج مطالعه‌ی نظام‌مند و دقیق‌تر است. آنچه ما در منابع اسلامی با آن مواجهیم، طرح چالش‌های فقهی و دوره‌هایی است که از طریق قواعد اصولی و فقهی به حل آنها نائل می‌شویم، ولی در حل چالش‌های اخلاقی باید با نگاهی عمیق‌تر نگریم که البته به‌طور قطع مرتبط با میراث فقهی، حقوقی، منابع اصولی و متأثر از آنهاست.

این پژوهش در صدد آن است که ضمن تبیین اسلامی بودن اخلاق بر اساس مؤلفه‌های ذکر شده، به ارائه‌ی تعریفی از اخلاق کاربردی اسلامی بپردازد و تا حدودی وجوه افتراق آن را از تعریف رایج اخلاق کاربردی بازنماید. پیش از چنین امر مهمی ارائه‌ی تصویری از وضعیت پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی اخلاق کاربردی که بیان‌کننده‌ی رویکردهای معاصر در اخلاق کاربردی است، لازم است. سپس فرضیه‌ی این مقاله را یعنی امکان اخلاق کاربردی اسلامی و ارائه‌ی تعریف برگزیده به سرانجام خواهیم رساند.^۱ بیان این نکته ضروری است که دانش اخلاق اسلامی از دو قسیم خود در حوزه‌ی معارف اسلامی یعنی کلام و فقه عقب مانده است. امروزه مسائل کلامی و فقهی جدید از منظر دین اسلام ذیل کلام جدید اسلامی و فقه پویا پرداخته می‌شوند، ولی اخلاق اسلامی نسبت به این دو محتاج دقت نظر و گفت‌وگو سازی بیشتری است. پس از تبیین دیدگاه‌ها در این حوزه بیان خواهد شد که در رویکرد اسلامی از اخلاق کاربردی به معنای رایجش می‌توان تعریفی متفاوت ارائه کرد. نکته‌ی دیگر در این پژوهش تبیین معنای دقیق قید «اسلامی» است که تاحدی می‌تواند هویت این دانش را دینی سازد؛ البته این بدان معنا نیست که ما برای اخلاق کاربردی به معنای مرسوم و مصطلح آن خاستگاه اسلامی قائل شویم؛ بلکه بدین معناست که در تاریخ اخلاق اسلامی و نوع مسائل اخلاقی پیش روی مسلمانان و نیز آنچه در منابع اسلامی منعکس شده است، می‌توان مبانی، اصول و روش‌هایی را در مواجهه با چنین معضله‌ها و دوراهی‌هایی به‌دست آورد؛ به‌ویژه آنکه در منابع اسلامی به‌خصوص آیات و روایات نیز به آن توجه شده است؛ البته در میراث شیعی بیشترین توجه به مسائل فقهی بوده است و علمای فقه و اصول بیشتر از منظر فقه به مسائل و معماهای عملی نگریسته‌اند، ولی می‌توان این نگاه را به حوزه‌ی اخلاق نیز معطوف داشت و به شکل روشمند از حل دوراهه‌ها و تراحم‌های اخلاقی سخن گفت؛ البته آنچنان که بیان شد، در طی این مسیر منابع فقهی و روش اجتهادی فقها از جمله مهم‌ترین منابع برای ارائه‌ی الگوی موفق اخلاق کاربردی اسلامی است. نکته‌ی دیگر در تمایز اخلاق اسلامی از دیگر مکاتب اخلاقی است. هدف در مکاتب غیر دینی و غیر الهی تأمین سعادت دنیوی و تنظیم روابط افراد در دنیاست، ولی در اخلاق دینی و به‌ویژه اخلاق اسلامی سعادت ابدی و انطباق عمل با شریعت الهی و کسب رضایت الهی هدفی اساسی است که در چارچوب عمل و نیز نوع تصمیم‌های اخلاقی ما در دوراهه‌ها و چالش‌های اخلاقی تأثیرگذار است. پس می‌توان به اعتبار نوع منابع، مبانی و اهداف به نحوی ضمن قائل شدن به اخلاق اسلامی آن را به حیطة‌ی اخلاق کاربردی نیز تسری داد که در مباحث آتی و بررسی‌های مسئله‌محور این مقصود بیشتر آشکار خواهد شد. آنچه می‌توان به عنوان پیشینه‌ی مطالعاتی بحث در نظر گرفت، سه نوع مطالعه است که یکی متمرکز بر ترجمه، آدومی مبتنی بر رویکرد تلفیقی^۲ و نوع سوم از مطالعه‌های صورت گرفته در زمینه‌ی اخلاق کاربردی اسلامی مطالعه‌های تأسیسی^۳ است.

با توجه به تبیین صورت گرفته در این پژوهش می‌توان مسائل مختلف اخلاقی در حوزه‌های مختلف را مورد بررسی

قرار داد؛ به عنوان نمونه دیدگاه اخلاق اسلامی در مسئله‌ی اخلاقی بودن یا نبودن سقط جنین چگونه می‌تواند از اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن سقط جنین در شرایط خاص حمایت نماید و آن را تبیین کند؟ در این مقاله ضمن تبیین رویکردهای موجود در حوزه‌ی اخلاق کاربردی در فضای علمی معاصر ایران به خاستگاه هویتی این دانش پرداخته خواهد شد و بر اساس برخی پیش‌فرض‌های برگرفته از منابع و مبانی اسلامی تعریفی پیشنهادی از اخلاق کاربردی اسلامی ارائه می‌گردد.

۱. امکان اخلاق کاربردی اسلامی

یکی از مسائلی که می‌تواند به کشف هویت اخلاق کاربردی اسلامی منجر شود، سخن گفتن از امکان چنین دانشی است. امکان اخلاق کاربردی اسلامی معطوف به امکان علم دینی است. وقتی ما از امکان علم دینی سخن می‌گوییم بدین معناست که آیا می‌توان در بستر دین به یک حوزه‌ی دانشی دست یافت که بتواند مشکل‌های رایج در حیطه‌های مختلف حیات انسانی را حل کند. یکی از این حوزه‌ها اخلاق کاربردی است که متکفل حل مسائل اخلاقی در موقعیت‌های واقعی زندگی است. در اینجا این پرسش مطرح است که آیا از اساس می‌توان از امکان اخلاق کاربردی اسلامی سخن گفت؟ در این مجال بسته به نوع نگاه صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی حضور دین را محدود به حوزه‌های خاصی می‌دانند و برخی نگاه متفاوتی به مسئله دارند؛ برخی به صورت سطحی با مسئله مواجه شده‌اند و برخی به شکلی عمیق آن را بررسی کرده‌اند. به باور برخی اخلاق‌پژوهان:

۱. در این مقاله سعی بر آن است با شاهد قرار دادن یک مصداق از مسائل اخلاق پزشکی یعنی «سقط جنین» بحث کبروی مسئله در باب وضعیت اخلاق کاربردی اسلامی تبیین گردد.

۲. در این رویکرد بیشترین تلاش در ترجمه‌ی دیدگاه‌های رایج در عرصه‌ی اخلاق کاربردی صورت گرفته است. در این زمینه در برخی عرصه‌ها توفیقات بیشتری حاصل شده است و در برخی نیز مورد غفلت قرار گرفته است. به هر روی بیشترین تلاش پژوهندگان عرصه‌ی اخلاق کاربردی را می‌توان در این زمینه دانست. به عنوان نمونه کتاب پرتیاز اخلاق کاربردی که جمعی از نویسندگان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی آن را نگاشته‌اند از جمله مواردی است که با تمرکز به ترجمه‌ی مقاله‌ها نکاتی تکمیلی نیز بر آن افزوده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹).

۳. در این رویکرد آموزه‌های مکاتب دیگر اخلاقی در کنار آموزه‌های اسلامی به شکل تلفیقی و ترکیبی بدون تحلیل خاصی بیان شده است. برخی از مقاله‌ها منتشر شده در مجلات اخلاقی و برخی از مقاله‌ها کتاب جستارهایی در اخلاق کاربردی منشور شده در دانشگاه قم از جمله مواردی است که با این رویکرد به اخلاق کاربردی پرداخته اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸).

۴. در این رویکرد بیشترین همت بر ارائه‌ی الگویی هرچند ناقص و اولیه از اخلاق کاربردی مصروف شده است، به عنوان نمونه دو مجلد انتشار یافته تحت عنوان اخلاق کاربردی در تمدن ایران و اسلام و اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام زیر نظر آقای دکتر احد فرامرز قراملکی در صدد ارائه‌ی الگوهای موجود در دانش و سیره‌ی مسلمین است. ایشان سعی کرده‌اند با حضور نویسندگان مختلف و ساماندهی مباحث آنان به مهم‌ترین مسائل حوزه‌ی اخلاق کاربردی شامل اجتماع، سیاست و شهروندان و نیز اخلاق در حرفه‌هایی مانند پزشکی، مهندسی، آموزش و دیگر عرصه‌ها بپردازند و میراث غنی اخلاق اسلامی و دانشمندان ایرانی در دوره‌ی اسلامی را مورد توجه قرار دهند (ر.ک. قراملکی، ۱۳۸۸). دانش‌نامه‌ی اخلاق کاربردی نیز از دیگر آثار این رویکرد است. در این دانش‌نامه‌ی ۵ مجلدی نیز بر اساس حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و حرفه‌ای به موضوعات اخلاق کاربردی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی پرداخته شده است و در نهایت راه‌حلی برای برخی از این مسائل بر اساس نظریه‌ی اسلامی ارائه گردیده است (شریفی، ج ۱، ۱۳۹۶).

منظور از بومی‌سازی و اسلامی کردن علوم، صرف تعویض اصطلاحات نیست، بلکه تغییر جهان‌بینی‌ها و استفاده از منبع وحی در تولید علم است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰).

وی با انتقاد نسبت به رویکردی که به گونه‌ای سطحی به بومی‌سازی علوم روی آورده است، معتقد است:

گزاره‌هایی که به نام علوم انسانی شناخته می‌شود و در اطرافش کتاب‌ها نوشته شده، خاستگاهش مغرب‌زمین است و خواه و ناخواه تأثیر فرهنگ و ادبیات غرب در آن‌ها تعبیه شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰).

این نگاه در ادبیات موجود بر خاسته از تأثیری است که سردمداران و صاحب‌نظران معروف مغرب‌زمین بر چنین آثاری گذاشته‌اند. از این جهت مطابق با آنچه در کلام محققان علوم انسانی مثل استاد مصباح یزدی آمده است، ما با یک نوع خلط مبحث و در مواردی التقاط مواجه هستیم که حتی در کتاب‌های آموزشی ما نیز نفوذ کرده است و به تعبیر ایشان:

کتاب‌های دانشگاهی ما نیز با اندکی تغییر ترجمه‌ای است از کتاب‌هایی که در اروپا و آمریکا نوشته شده است. یک یا چند مثال اروپایی را برداشته‌اند، مثال ایرانی گذاشته‌اند و به اصطلاح بومی‌سازی شده است (همان).

به نظر می‌رسد این رویکرد نمی‌تواند ما را به سازوکاری که اسلام برای حل مسائل علوم انسانی ارائه کرده است برساند؛ زیرا تا آن‌جا که مربوط به اصطلاحات و ادبیات باشد، مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ ولی اصل تفاوت‌ها در این علوم به بیش‌ها و جهان‌بینی‌ها به مجموعه‌ای از نظریات زیربنایی برمی‌گردد که در مبانی خود به‌طور عمده با فرهنگ غرب سازگاری دارد و بر اساس آن پایه‌ریزی شده است. مسئله اینجاست که یک اصطلاحی بار فرهنگی دارد (همان).

در این صورت باید از اخلاق کاربردی اسلامی مثل اخلاق اسلامی یا روانشناسی اسلامی یا جامعه‌شناسی اسلامی تفسیر مناسبی ارائه کرد. به همین منظور توجه به چند پیش‌فرض در یافتن معنای دقیق اسلامی کردن علوم به‌ویژه اخلاق کاربردی حائز اهمیت است. در اخلاق کاربردی نیز ما با همین رویکرد مواجهیم و آنچه‌ان که بیان شد، بیشتر مباحث رویکرد ترجمه‌ای و در نهایت التقاطی دارد؛ البته تلاش‌هایی نیز در جهت بومی‌سازی مباحث صورت گرفته است. از این جهت برای تحقق چنین دانشی چند مسئله و نکته‌ی کلیدی را به عنوان پیش‌فرض باید منظور داشت. یکی از این نکات تفسیر دین و قلمرو حضور آن در عرصه‌ی زندگی است. یکی از مهم‌ترین مسائل فیلسوفان دین و حتی فیلسوفان اخلاق مسئله‌ی رابطه‌ی دین و دنیا و در قلمروی خاص‌تر رابطه‌ی دین و اخلاق است که نگاه‌های مختلفی درباره‌ی آن طرح شده است. در یک نگاه تنگ‌نظرانه و حداقلی باید و نبایدهای دینی تنها مربوط به حوزه‌ی رابطه‌ی انسان با خداست. از این‌رو دین نه در عرصه‌ی اخلاق، که در هیچ عرصه‌ای به‌جز رابطه‌ی شخصی با خداوند حضور ندارد. بنابراین در جای‌جای دین وقتی سخن از حل چالش‌ها، مشییت الهی، حضور خداوند، ارتباط انسان با خدا، طلب خیر و استعانت، استعاذه، دعا، توکل و اعتماد به خداوند است، به رابطه‌ی شخصی با خدا می‌انجامد. در این صورت اخلاق کاربردی و حتی اخلاق به معنای عامش نمی‌تواند از چنین رابطه‌ی بهره‌مند گردد، مگر در مسائل مربوط به اخلاق الهی یا به تعبیر دقیق‌تر در حوزه‌ی اخلاق بندگی. از این‌رو

دیگر معنا ندارد که ما به عرصه‌هایی که مربوط به دوراهی‌های زندگی سیاسی، اجتماعی و حقوقی است، از چنین حضوری گفتگو کنیم و برای دین نقشی قائل شویم. این نگاه محدود به دین آن نگاه مورد مقصود ما نیست؛ اما در بین دین‌پژوهان اسلامی نیز دیدگاه‌های متفاوتی در اینکه دین در چه عرصه‌هایی و به چه میزان می‌تواند حضور داشته باشد، بحث شده است. این دیدگاه‌ها را می‌توان به دیدگاه‌های حدّاقلی و جامع‌نگر تقسیم نمود:

(۱) **دیدگاه حدّاقلی:** بر اساس دیدگاه حدّاقلی یا انتظار اقلی از دین، قلمرو دین در امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی - فقهی به حدّاقلّ تحویل و فروکاهش (reduction) یافته است و شرع در این موارد حدّاقل‌های لازم را به ما آموخته است نه بیش از آن. در واقع بینش حدّاقلی خود را در امور آخرتی محدود و منحصر کرده و در امور دنیایی هم به حدّاقل لازم بسنده کرده است؛ نظریه‌ی دین حدّاقلی امروزه در میان جریان موسوم به روشنفکری و نواندیشی دینی رواج دارد. اینان با محصور کردن دین در سعادت اخروی منکر دخالت و حضور دین در عرصه‌ی اجتماع و امور سیاسی هستند و بدین طریق دین را سکولاریزه می‌کنند و به جدایی دین از سیاست (یا به عبارت دقیق‌تر جدایی دین و دنیا) قائل هستند؛ به‌عنوان مثال مهندس بازرگان کتاب بعثت و ایدئولوژی را نگاشت و نشان داد که در برابر همه‌ی مکاتب اجتماعی غربی می‌توان از اسلام و برنامه‌های بعثت پیامبران ایدئولوژی جامع و مستقلی برای اداره‌ی جامعه ارائه داد. وی در اواخر عمر با نگارش مقاله‌ی آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا دیدگاه گذشته‌ی خود را نفی کرد و ادعا نمود که پیامبران از اساس برای بهبود و اداره‌ی دنیای مردم برنامه‌ای ارائه نداده‌اند. از نظر بازرگان دین فقط می‌تواند اصول و اهداف یا چارچوب‌ها را معین کند. وی معتقد است نباید انتظار داشت که اسلام یا دیگر ادیان برای ما اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها یا قوانین مشخص و کامل درباره‌ی ایدئولوژی، حکومت، اقتصاد، علوم و فنون، پزشکی و بهداشت به دستمان داده باشند یا بدهند. همچنان که آشپزی، خیاطی، معماری و سایر فنون زندگی و علوم و اکتشافات را نیز تعلیم نداده‌اند (بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

دکتر سروش نیز پیرو چنین دیدگاهی است و معتقد است:

خداوند اولاً و بالذات دین را برای کارهای این جهانی و سامان دادن به معیشت درمانده‌ی ما در این جهان فرو نفرستاده است. تعلیمات دینی علی‌الاصول برای حیات اخروی جهت‌گیری شده‌اند؛ یعنی برای تنظیم معیشت و سعادت اخروی هستند (سروش، ۱۳۷۳، ص ۱۳۵).

(۲) **دیدگاه حداکثری یا جامع‌نگر:** دیدگاهی که در مقابل دیدگاه آخرت‌گرا و دنیاگرا قرار دارد، دیدگاه جامع‌نگر است. دیدگاه جامع‌نگر در تفسیر جهت‌گیری دعوت انبیا بر این باور است که تعالیم پیامبران همه‌ی شئون حیات بشر اعم از زندگی دنیوی و اخروی را شامل است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دلیل خاتمیت، پیامی جامع و کامل برای بشر آورده است. تصویر غالب دانشمندان جامع‌نگر از جامع و کامل بودن پیام رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این است که خداوند نه حدّاقل بلکه حداکثر آنچه را که مورد حاجت بشر است، بر وی ارزانی داشته است. نقطه‌ی مشترکی که طرفداران دیدگاه جامع‌نگر دارند، این است که از نظر ایشان دعوت انبیا ناظر به هر دو مقوله‌ی دنیا و آخرت است و همه‌ی

امور حیات بشری، اعم از زندگی دنیوی و اخروی، مورد خطاب پیامبران بوده است و هر دو زمینه‌ی حیات آدمی را فرامی‌گیرد. برخی از متکلمان متأخر و متفکران معاصر هم‌چون امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید مطهری از قائلان به این دیدگاه هستند.

از این جهت بر اساس مبنایی که ما اتخاذ می‌کنیم در بحث اخلاق کاربردی به‌ویژه موقعیت‌های تصمیم‌گیری نمی‌توان از حضور دین غفلت نمود. در اصل در بررسی اخلاق کاربردی از منظر اسلامی باید به مبانی اسلامی دقت ویژه‌ای کرد و تفسیر دینی را بر اساس آن ارائه کرد. شاید در نگاه اول و با رویکرد عقلی نتوان تفاوت معناداری بین اخلاق کاربردی به معنای عام و رایج و اخلاق کاربردی اسلامی قائل شد. توجه به مبانی و مؤلفه‌های دیدگاه اسلامی که متخذ از منابع و معارف اسلامی است، نگاه متفاوتی در حل دوراهی‌های اخلاقی پیش روی ما قرار دهد. از این رو ما برای حضور دین در زندگی و به‌ویژه تصمیمات اخلاقی حضوری بسیار چشم‌گیر قائلیم، نه تفسیری تنگ‌نظرانه و مضیق.

توضیح بیشتر اینکه هویت اخلاق کاربردی در این صورت رسالتی است که با مقوله‌ی دین مرتبط است؛ اما پرسش قابل طرح آن است که آیا نمی‌توان دغدغه‌ی اخلاق کاربردی را یک دغدغه‌ی دینی دانست؟ از این جهت هویت دیگری که می‌توان برای اخلاق کاربردی در نظر گرفت هویت دینی است که بیانگر دغدغه‌های دینی در این عرصه است. نمونه‌هایی از این دغدغه را می‌توان در آثار اخلاق مسیحیت نیز ملاحظه نمود. بسیاری از دغدغه‌های اخلاقی نگرانی‌های دینی بود که متدینان و مؤمنان را وارد مباحثه‌ها و استدلال‌های اخلاقی کرد؛ به‌عنوان مثال در کتاب *فلسفه‌ی اخلاق ریچلز پدر و مادر جودی و ماری* که مؤمن بودند دخالت پزشکان را در جدایی این دوقلوها یک نوع دخالت در کار خداوند می‌دانستند. از این جهت حل این معضل به حل یک مسئله و دغدغه‌ی دینی کمک می‌کند. برخی از این نمونه‌ها را می‌توان در فقه اسلامی مورد توجه قرار داد. مسئله‌ی جواز سقط جنین یا دروغ‌گویی مصلحت‌آمیز در شرایط خاص می‌تواند نمونه‌ای از این رویکرد باشد. در این مسئله بیشترین دغدغه در نظریه‌های اخلاقی مثل امر الهی خود را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان مثال آیا کشتن حضرت اسماعیل از جانب حضرت ابراهیم علیه‌السلام کاری اخلاقی بود؟ آیا لازمه‌ی چنین اطاعتی مبادرت ورزیدن به کاری غیر اخلاقی نیست؟ آیا از اساس صدور چنین دستوری برای کشتن حضرت اسماعیل از خداوند که شارع مقدس و آمر اخلاقیات است، جایز است؟ یا هم‌سفر حضرت موسی^۱ مجاز است قبل از عمل کسی را مجازات کند و کودکی را که در آینده قرار است مرتکب ظلم شود، بکشد؟ بسیاری از این مسائل در حوزه‌ی دین قابل طرح است. در واقع به نظر می‌رسد در اینگونه موارد وقتی ما به وظیفه‌ی اخلاقی خود دست می‌یابیم به نحوی به وظیفه‌ی دینی خود نیز عمل کرده‌ایم. اگر بپذیریم که اینگونه است، پس اخلاق کاربردی نیز هویت دینی خواهد داشت. برخی پژوهش‌گران هویت اخلاق کاربردی و حرفه‌ای را بسان کلام جدید و فقه پویا هویتی واسطه‌ای می‌دانند. به باور ایشان به‌دلیل واسطه‌گون بودن هویت علم اخلاق، اسلامی

۱. نام ایشان بنا بر مشهور خضر بوده است.

بودن آن معنایی واقعی دارد. مراد از هویت واسطه‌ای یک علم آن است که آن علم واسطه‌ی معرفتی بین وحی و ذهن و زبان مخاطبان باشد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵) و اخلاق اسلامی معرفتی است که فضایل و رذایل اخلاقی را از متون دینی به فهم و درک انسان‌ها می‌رساند (همان، ص ۱۰۶)؛ یعنی همانطور که کلام و فقه دو دانش واسطه‌ای بین انسان و خدا هستند که در قالب‌های جدید به مسائل جدید اعتقادی و فقهی پاسخ می‌دهند، اخلاق نیز از چنین هویتی برخوردار است و در اصل واسطه‌ی بین وحی و مخاطبان است که در مسائل جدید اخلاقی نیز چنین هویتی را حفظ می‌کند.

ممکن است به این دیدگاه چنین اشکالی وارد شود که اخلاق کاربردی در این صورت هویت دینی پیدا نمی‌کند، بلکه موضوع و مسئله‌ی آن یک مسئله و موضوع دینی می‌شود؛ و گرنه هویت اخلاق کاربردی همان کاربرست نظریه‌های اخلاقی در حوزه‌ی عمل است. رویکرد حرفه‌ای نیز چنین است. هر حرفه با مسائل خاص اخلاقی مواجه است که برای حل آنها نیازمند اخلاق کاربردی یعنی کاربرست نظریه‌های اخلاقی برای پاسخ به مسئله است. شاید بتوان در پاسخ مسئله هدف اخلاق را طرح نمود که هرگونه تصمیم اخلاقی بر اساس نگاه دینی ضمن انطباق با آموزه‌های شریعت بایستی با هدف دین نیز هماهنگ و هم‌سو باشد و در راستای سعادت ابدی انسان رقم بخورد. از سوی دیگر مهم‌ترین دغدغه‌ی دیدگاه دینی مطابق با تفسیری که در نگاه امر الهی آمده است، انطباق تصمیم اخلاقی با خواست الهی و کتب مقدس است. در این صورت دغدغه‌های اخلاقی زمانی چالش‌خیزند که با مسائل دینی مثل آموزه‌های مسیحیت در تعارض باشند. در دیدگاه اسلامی می‌توان چالش‌های فقه و اخلاق را در این زمره برشمرد. از این منظر دغدغه‌ی شخص آن است که تهافت یا تعارض با مسائل فقهی شریعت را حل کند و راه حلی فقهی برای آن بیابد. بر این اساس و مبتنی بر دیدگاه‌های فقهی می‌توان مسائل اخلاق کاربردی را از تبار فقه و مسائل شریعت شمرد و برای آن هویتی فقهی قائل شد.

البته این نکته ضروری است که بر اساس مبانی اسلامی حضور دین یک حضور حداکثری در زندگی انسانی است. با این وصف دیگر مسئله‌ی دینی به معنای رابطه‌ی انسان با خداوند به تنهایی نمی‌تواند نگاه دین اسلام باشد، بلکه از نظر اسلام دین در همه‌ی عرصه‌ها حضور پیدا خواهد کرد. از این رو مسائل اخلاق کاربردی از آنجایی اهمیت دارند که نوع عملکرد افراد در چالش‌ها و دوراهی‌های اخلاقی با سعادت آنها ارتباط دارد و سعادت نیز امری نیست که فقط در ارتباط انسان و خدا معنا پیدا کند و به عرصه‌های دیگر حیات او بی‌ارتباط باشد. بر اساس نگرش اسلامی دین برنامه‌ی زندگی به معنای عام است، از این جهت حل معضلات اخلاقی بخشی از این برنامه خواهد بود که باید محقق شود و می‌توان از آموزه‌های دینی برای حل چنین دشواری‌ها و معضله‌هایی راهی را گشود و تکلیف اخلاقی افراد را دریافت کرد.

۲. تعریف اخلاق کاربردی اسلامی

قبل از ارائه‌ی تعریف منتخب از اخلاق کاربردی اسلامی شناخت تعریف‌های رایج از این حوزه‌ی دانشی می‌تواند زمینه‌ی تمایز دیدگاه‌ها و به‌دست دادن تصویر روشن‌تری از اخلاق کاربردی اسلامی را فراهم آورد. بسیاری از این تعریف‌ها در

منابع ترجمه شده نیز منعکس شده است؛ مطابق برخی از این منابع اخلاق کاربردی که اخلاق عملی و نیز به ندرت اخلاق ناخالص نیز نامیده شده است، طبق دیدگاه رایج به دنبال این است که حقایق اخلاقی عام را که در اخلاق هنجاری کشف شده است، در افعال، تجربه‌ها، یا سازمان‌های خاص به منظور حل مسائل اخلاقی به کار بندد. از این رو در جهت دفاع از مدعیات اخلاقی واقعی با اخلاق هنجاری هم‌سوست (Archard, 2013, pp. 320-335).

برای این قسم از مطالعات اخلاقی تعریف‌هایی مطرح شده که قابل بررسی و ارزیابی است از جمله تعریف برنارت گرت که معتقد است اخلاق کاربردی به معنای «کاربست یک نظریه‌ی اخلاقی در برخی از مسائل اخلاقی خاص یا در مجموعه‌ای از این مسائل به منظور حل آنها» (Gert, 1982, pp. 51-2) است، ولی به باور برخی، بسیاری از پژوهندگان این رشته به دلایلی ترجیح می‌دهند که برخلاف گرت اخلاق کاربردی را به کاربرد تعریف نکنند (Beauchamp, 1999, p. 38)؛ زیرا چنین تعریفی اخلاق کاربردی را بیش از اندازه محدود می‌کند و ماهیت واقعی آن را نشان نمی‌دهد. از این رو تعریف وسیع‌تری مثل تعریف ذیل را پیشنهاد می‌کنند:

استفاده‌ی انتقادی از نظریه و روش‌های تحلیل فلسفی برای مواجهه‌ی اساسی با مسائل و مشکلات اخلاقی در حرفه‌ها، فن‌آوری، سیاست جمعی، و مانند آن (Beauchamp, 1984, pp. 514-515).

آنچنان که مشهود است بر اساس تعاریف فوق در این رشته تمرکز اصلی نه بر روی نظریه‌های اخلاق هنجاری که بر روی مسائل و مشکلات اخلاقی در عرصه‌های گوناگون است. کارائی نظریه‌های اخلاقی و تقدم آنها بر مسائل و معماهای اخلاقی مهم‌ترین بحث روش‌شناختی در اخلاق کاربردی است؛ با این وصف مصادره‌ی به مطلوب خواهد بود اگر اخلاق کاربردی را به کاربرد نظریه‌های اخلاقی در مسائل و معماهای اخلاقی تعریف کنیم. افزون بر این که پژوهش‌گران این رشته اهداف گوناگونی را پی می‌گیرند که حل مسئله‌ی اخلاقی و رسیدن به تصمیم، تنها یکی از آن اهداف است؛ لذا برخی پژوهندگان حوزه‌ی اخلاق تعریف وسیع اخلاق کاربردی را پذیرفته‌اند که به کارگیری طیفی از روش‌های فلسفی (شامل تحلیل مفهومی، توازن متفکرانه، پدیدارشناسی و غیره) را مجاز می‌داند و بر حل مسئله به عنوان هدف تأکید نمی‌کند (اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

برخی دیگر از محققان اخلاق تعریف‌های دیگری از اخلاق کاربردی ارائه کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه خزاعی در مقاله‌ای که به ماهیت اخلاق کاربردی می‌پردازد، سه نوع رویکرد یعنی شناسایی هنجارها، حل مشکلات جزئی و ارزیابی عملکردها در تمام حوزه‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را جزو وظایف اخلاق کاربردی می‌داند و معتقد است: اول، لازم نیست رویکرد درمورد یک موضوع خاص صدق کند، دوم، قرار نیست هر سه رویکرد با هم درهمه‌ی زمان‌ها اجرا گردد؛ اما اگر قرار باشد از بین سه رهیافت مذکور یکی به‌عنوان زمینه و هدایت‌کننده‌ی دیگر وظایف تلقی شود، بهتر آن است که برخورد با معضله‌های نوعی اخلاقی زمینه‌ساز هر سه رویکرد محسوب شود. به این معنا که مشکلات جزئی و عینی یا فضای مملو از

معضله‌های اخلاقی و یا ناآگاهی گسترده نسبت به وظایف اخلاقی فرد را با نوعی تنگنا روبه‌رو سازد که وی ضرورت سنجش و ارتقای فهم اخلاقی را احساس کند (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۲). از سویی برخی دیگر از صاحب‌نظران حوزه اخلاق در تعریف اخلاق کاربردی ضمن اشاره به ویژگی‌ها و بیان وجوه سلبی و ایجابی اخلاق کاربردی در تعریف آن «کاربرد نظریه‌های کلی اخلاقی یا احکام حاصل از آنها در مسائل خاص اخلاقی» یا «کاربرد مبانی و معیارهای اخلاقی در حوزه یا مسئله‌ای خاص» رایان کرده‌اند. (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۶). آنچنان که معلوم است، تعریف‌های فوق‌ناظر به اخلاق کاربردی موجود است و تعریف حاضر فارغ از اینکه ما با کدام رویکرد به حل مسائل اخلاقی بپردازیم، ارائه گردیده و با دخالت یک نظریه‌ی اخلاقی پذیرفته شده در حل مسائل اخلاقی خاص ارائه گردیده است. فارغ از تعاریف ذکر شده و انتقاداتی که از تعریف محدود و صحه‌ای که بر تعریف موسع گذاشته شده و نیز تعریف‌هایی که ارائه گردیده است، این نکته حائز اهمیت است که در تعریف اخلاق کاربردی با رویکرد اسلامی قید اسلامی باید در تعریف مورد ملاحظه قرار گیرد؛ البته تاحدی این قید می‌تواند در بر دارنده‌ی نظریه‌ی اخلاقی مختار ما نیز باشد. در اصل در تعریفی که ما از اخلاق کاربردی اسلامی ارائه می‌کنیم، به نحوی نظریه‌ی هنجاری پذیرفته شده و مقبول ما که مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی است، نیز منطوقی است؛ البته اگر این قید را بپذیریم و آن را ناظر به نظریه‌ی اخلاقی پذیرفته شده بدانیم دیگر به دست آوردن نظریه‌ی اخلاقی مقبول و مورد پسند در رسالت اخلاق کاربردی با چنین تفسیری جا ندارد. بر این اساس نکات ذیل قبل از ارائه تعریف اسلامی از اخلاق کاربردی حائز اهمیت است:

حضور اخلاق و تصمیم‌گیری اخلاقی در دیدگاه اسلامی شامل چهار حوزه است که برگرفته از مسئولیت اخلاقی او در حوزه اخلاق فردی، اخلاق بندگی، اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط زیست است.

۲-۱. رابطه‌ی انسان با خود (درون شخصی)

تصور اینکه در ارتباط اخلاقی انسان با خویشتن احتمال دچار شدن به چالش و تعارض ممکن است، قدری دشوار می‌نماید؛ ولی در واقع ما در ارتباط با خویشتن نیز ممکن است دچار تعارض شویم؛ به‌عنوان مثال ممکن است کسی برای عدم خودتحقیری و ناامیدی برخی از ویژگی‌های نامناسب اخلاقی خود را نادیده بگیرد. در این صورت احتمال دارد دچار یک رذیله‌ی اخلاقی مثل خودفریبی یا بی‌صدقتی با خود شود؛ البته گاهی ممکن است یک امر بیناشخصی با یک امر درون شخصی تعارض پیدا کند؛ به‌عنوان مثال ممکن است کسی برای حفظ عزت نفس خود به دیگری دروغ بگوید. در این صورت آیا او مجاز است دروغ بگوید؟ به هر روی در حیطه‌ی ارتباط انسان با خود ممکن است چنین تعارض‌ها و چالش‌هایی اتفاق افتد.

۲-۲. رابطه‌ی انسان با خدا (فراشخصی)

در اینجا مقصود از فراشخصی رابطه با پروردگار است که مسئولیت‌های خاص اخلاقی را فراتر از اشخاص برای انسان به همراه دارد. در این حیطه نیز ممکن است برای انسان چالش‌هایی ایجاد شود؛ به‌عنوان نمونه ممکن است در شرایطی شخص

بین ریا نکردن به عنوان یک دستورالعمل اخلاقی و حفظ شاعر به عنوان یک دستور دینی دچار تعارض شود یا اینکه یک طرف باید اخلاقی الزام به رعایت اخلاق بندگی است، مثل نماز همراه با طمأنینه یا اول وقت و طرف دیگر یک الزام اخلاق اجتماعی است، مثل حل مشکل مردم؛ در این صورت وظیفه چیست؟ یا شخص از سویی امر به دادن صدقه‌ی پنهانی شده و از سوی دیگر آشکارا صدقه دادن مصداق امر به معروف است که دیگران بایستی با آن آشنا شوند تا منجر به فرهنگ‌سازی در این زمینه شود. بسیاری از رفتارهای ما ممکن است در معرض چنین چالش‌هایی قرار گیرند؛ به عنوان نمونه خواندن قرآن با صوت زیبا زمینه‌ی جذب افراد را فراهم می‌کند، ولی از سویی ممکن است با مسائلی مثل ریا و برخی رذایل اخلاقی مثل آزار دیگران همراه گردد؛ یا ممکن است کسی برای حفظ و رعایت حرمت جایگاه حقوقی خود به عنوان یک مبلغ یا معلم دینی مجبور شود به نماز یا تعقیبات و... تظاهر کند. اینها نمونه‌هایی از چالش‌ها در این حوزه است.

۲-۳. رابطه‌ی انسان با دیگران (بین شخصی)

یکی از مهم‌ترین محورهای ارتباطی انسان با دیگران است که بیشترین چالش‌ها در این قلمرو ارتباطی انسان با دیگران صورت می‌گیرد. این حوزه شامل ارتباط انسان با اعضای خانواده، همسایگان و شهروندان است که مسائل چالشی بسیاری در این حوزه روی می‌دهد. به عنوان نمونه آیا می‌توان حریم خصوصی افراد را برای جلوگیری از یک اتفاق تلخ نقض کرد؟ در حوزه‌های حرفه‌ای و شغلی نیز با چنین چالش‌هایی مواجه هستیم.

۲-۴. رابطه با خلقت: محیط زیست (برون شخصی)

در این حوزه نیز انسان باید نسبت به محیط پیرامونی خود عملکرد مناسب اخلاقی داشته باشد و در تعارض‌ها نیز براساس الگوی تبیین شده عمل کند. نوع تعامل انسان با حیوانات نیز در این دسته جای می‌گیرد؛ به عنوان نمونه نگه داشتن حیواناتی مثل سگ و گربه در منازل از منظر اخلاقی چگونه است؟ از سویی مراقبت از آنها اخلاقی است و از سوی دیگر ما آزادی آنان را سلب نموده ایم؛ یا آتش زدن یک جنگل برای یافتن یک تروریست خطرناک و مانند آن می‌تواند نمونه‌ای از این چالش‌ها باشد. خوردن گوشت‌های صنعتی، استفاده از حیوانات برای حمل و نقل و موارد دیگر نیز از جمله چالش‌ها و مسائل در این حوزه هستند.

در مجموع بیشترین حوزه‌ی چالش و معماها در این قلمروهای چهارگانه قابل ارائه است.

۲. اخلاق و مسئولیت اخلاقی در حوزه‌های ذکر شده شامل صفات و رفتارهای اخلاقی است. آنچه در اخلاق کاربردی مورد قضاوت و امر و نهی و کشف است، در محدوده‌ی صفات و رفتارهای اخلاقی جای می‌گیرد؛ لذا در هر کدام از اینها باید قصد و نیت و عملکرد اخلاقی افراد مورد قضاوت داوری قرار گیرد.

۳. در مقابل دیدگاه‌های طرح شده به‌ویژه روش‌های حل چالش‌های اخلاقی مثل قرینه‌گرایی، قیاس‌گرایی و موازنه‌ی متفکرانه که همواره مراجعه به اصول اخلاقی و بررسی شواهد و قرائن بیشترین و تأثیرگذارترین عنصر در حل معماهای اخلاقی است در نظریه اسلامی نیت، انگیزه و قصد و ویژگی‌های فاعل اخلاقی و حتی دریافت‌های شهودی و درونی نقش مهم و کلیدی دارد. نکته مهم دیگر اینکه در اخلاق کاربردی اسلامی فاعل اخلاقی نقش بسزایی را ایفا می‌کند. بر این اساس نیت و انگیزه و ویژگی‌های او در نوع قضاوت ما تأثیرگذار است؛ البته ما در نظریه‌های هنجاری، نظریه فضیلت‌محوری را تا حدی مبتنی بر منش و فضیلت‌مندی فاعل اخلاقی استوار می‌دانیم یا در اخلاق کانتی که یک اخلاق وظیفه‌گراست، نیت فاعل اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند، ولی آنچه در اینجا مقصود ماست، ناظر به تصمیم‌گیری و روش‌های حل چالش است که به‌رغم روش‌های رایج اخلاق کاربردی که بر اصول اخلاقی و قواعد بیرونی پافشاری دارد، در روش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی عملکرد فاعل اخلاقی اولویت و اهمیت بیشتری می‌یابد.

۴. نقش انسان بسته به ویژگی‌های عقیدتی، اخلاقی و عاطفی متفاوت و خاص است. این نقش بسته به مبانی شکل‌دهنده شخصیت و عقاید انسان می‌تواند کاملاً متفاوت بوده و در نوع تصمیم‌های اخلاقی او تأثیرگذار باشد؛ لذا بر این اساس فاعل اخلاقی مؤمن با انسان غیرمؤمن متفاوت است. فاعل اخلاقی مؤمن، سکولار و غیرسکولار نیز نقش‌های متفاوتی خواهند داشت. نتیجه آنکه اخلاق کاربردی اسلامی را باید مبتنی بر جایگاه و نقش فاعل اخلاق در منظومه‌ی عام‌تری از باورهای اعتقادی و مبانی نظری مورد توجه قرار داد. بر این اساس ما مبتنی بر مباحث پیش‌گفته تعریف پیشنهادی خود را از اخلاق کاربردی بیان می‌کنیم: «تبيين، تحليل، قضاوت (حکم)، تصمیم‌واقدام اخلاقی مناسب در وضعیت‌های دشوار/خاص اخلاقی^۴ بر اساس الگوی متخذ از مبانی و منابع اسلامی».

بر اساس تعریف پیش‌گفته و با توجه به اینکه ما قید اسلامی را در اخلاق کاربردی اسلامی دارای نقش تعیین‌کننده می‌دانیم، بایستی ساز و کار اخلاق کاربردی را نیز براساس اندیشه و تفکر اسلامی بنا نهاد؛ لذا در تعریف ذکر شده این مؤلفه‌ها تعیین‌کننده هستند: (۱) تعریف و تصویر اسلامی از اخلاق، (۲) منابع اخلاق اسلامی (اصلی و تبعی)، (۳) مبانی متخذ از منابع اسلامی، (۴) اصول و قواعد هنجاری نظام‌یافته.

هریک از این موارد در جای خود قابل بررسی است؛ ولی بدون توجه به موارد فوق نمی‌توان تصویر روشنی از اخلاق

1. Evidentialism
2. Inductivism
3. Reflective Equilibrium

۴. قید «اخلاقی» به پیشنهاد یکی از داوران محترم فصلنامه به تعریف اضافه گردید.

۵. این تعریف ناظر به موقعیت‌هایی است که شخص باید تصمیم فردی اتخاذ کند. این تعریف به عنوان کرسی ترویجی نیز ارائه گردید که ناقد محترم جناب آقای دکتر مسعود آذربایجانی پیشنهاد دادند نگاه سازمانی و تصمیم‌های اخلاقی سازمان‌ها و نیز عملکرد آنها نیز می‌تواند در حوزه این تعریف وارد شود و تعریف را جامع‌تر خواهد ساخت. از ایشان بابت نکته طرح شده متشکرم.

و اخلاق کاربردی بر اساس نگرش اسلامی ارائه کرد. آنچنان که گذشت در بحث اسلامی سازی علوم که در اصل نه به معنای اسلامی سازی، که به معنای کشف قواعد و سنت های الهی ناظر به حوزه ی علوم است، بدون توجه به مؤلفه های فوق نمی توان علوم اسلامی را ارائه نمود؛ چه آنکه برخی از علوم اسلامی مانند اخلاق اسلامی حتی تاکنون بر اساس عناصر و مبانی فوق تعریف و ترسیم نشده است.

بر اساس این تعریف اخلاق کاربردی تنها معطوف به یک عمل اخلاقی در موقعیت خاص نیست و نیز مربوط به تصمیم اخلاقی صرف نیست، بلکه شامل تحلیل، قضاوت، تصمیم و حتی اجرای عملی تصمیم اخلاقی نیز می شود. برای تبیین چنین تعریفی مؤلفه های آن را بیشتر مورد مذاقه قرار می دهیم. در اصل فعالیت ما در حوزه ی اخلاق کاربردی از تحلیل که معطوف به تبیین دقیق و درست مسئله است آغاز می شود و به قضاوت راه می یابد. این قضاوت و حکم اخلاقی در صحنه ی عمل و اجرا نیز باید محقق شود؛ چرا که بسیاری از دشواری ها به این مرحله از فرایند عملکرد اخلاقی انسان متعلق است.

برای تبیین عملیات تعریف فوق به یک نمونه از مسائل حوزه ی اخلاق پزشکی در بحث سقط جنین اشاره می کنیم. در این مسئله این پرسش اخلاقی مطرح است که آیا سقط جنین انسان از منظر اخلاق اسلامی صحیح است یا نه؟ در اینجا ما با وضعیت های مختلفی مواجهیم: سقط جنین انسان در شرایط عادی، سقط جنین در شرایطی که جان مادر در خطر است، سقط جنین به خاطر لوازم اقتصادی و مشکلات فرهنگی، سقط جنین به خاطر لوازم آبرویی و نزاع خانوادگی. با توجه به چنین وضعیت هایی و بر اساس تعریف پیش گفته می توان فرایند، توصیف، تبیین، تحلیل، قضاوت، تصمیم و اقدام اخلاقی را تشریح نمود و بر اساس مبانی و منابع اسلامی به نتیجه رسید؛ البته اینکه آیا می توان به نتیجه ی کامل و مطمئنی دست یافت، وابسته به ادله و استدلال هایی است که در طی این مراحل به دست می آید و می توان آنها را مورد آزمون و سنجش قرار داد. بر این اساس می توان در باب این مسئله ی موردی چند نکته را بیان کرد:

توصیف و تبیین: در این مرحله موقعیت به دقت مورد توصیف قرار گرفته و گزارش دقیقی از آن ارائه می گردد. در نظر گرفتن جنبه های مختلف موقعیت مثل اینکه آیا جنین سلامت کامل را دارد یا عوارض و لوازمی که ممکن است بر اساس ویژگی های جنین بر آن مترتب شود باید مورد توجه قرار گیرد. بی دقتی و سهل انگاری از مواردی است که ممکن است منجر به توصیف ناقص از موقعیت شود یا بسنده کردن به منابع معرفتی خاص مثل رویکرد عقلی صرف می تواند در این زمینه رهزن باشد.

تحلیل و قضاوت: در این مورد جنین می تواند مورد تحلیل پزشکی، زیست شناختی و حتی فلسفی و دینی قرار گیرد. در این صورت این پرسش به عنوان مثال مطرح است که آیا جنین قبل از ولوج روح از منظر پزشکی یا زیست شناختی انسان محسوب می شود یا خیر؟ دیدگاه دین در این زمینه چیست؟ بر اساس چنین تحلیل هایی می توانیم برخی از قیاس ها به نفع یا ضرر سقط جنین را به این شکل سامان دهیم تا بر اساس آن قضاوت ما شکل بگیرد: (۱) قیاس به ضرر سقط جنین قبل از

ولوچ روح: بر اساس مبانی اخلاق اسلامی جنین ولو بدون ولوچ روح انسان است، قتل انسان جایز نیست؛ پس کشتن جنین جایز نیست، ۲) قیاس به نفع سقط جنین قبل از ولوچ روح: بر اساس مبانی اخلاق اسلامی جنین قبل از ولوچ روح انسان نیست، در صورت عدم انسان بودن از بین بردن آن جایز است، پس سقط جنین جایز است.

تصمیم: آنچه بیان شد تا مرحله‌ی قضاوت و داوری بر اساس مبانی و منابع است. در اصل ما طی فرایندی به حکم اخلاقی دست پیدا می‌کنیم؛ به‌عنوان نمونه یک قاضی، پزشک، معلم و... در شرایط خاصی به حکم اخلاقی دست پیدا می‌کنند، ولی در مرحله‌ی تصمیم به‌خاطر عواملی دچار رخوت در تصمیم‌گیری می‌شوند؛ البته ممکن است در این مرحله این اشکال وارد آید که رسالت اخلاق کاربردی در مرحله‌ی تصمیم و عزم نیست و در آن دخالتی ندارد؛ حال آنکه به نظر می‌رسد می‌توان بسته به شرایط و نوع مسائلی که پیش می‌آید، برای این مرحله نیز پژوهش‌گران اخلاق کاربردی پیش‌بینی‌های لازم را مد نظر قرار دهند و به قدرت تصمیم‌گیری افراد در موقعیت‌های دشوار مدد رسانند؛ به‌عنوان مثال در موردی ممکن است پلیس به این تشخیص و دریافت اخلاقی برسد که بایستی به قاتل فراری شلیک کند، ولی ویژگی‌های عاطفی یا شرایط و نوع تربیت او مانع از تصمیم‌گیری برای شلیک در آن موقعیت شود. در این صورت بایستی در حرفه قدرت تصمیم‌گیری در موقعیت‌های خاص مورد توجه و آموزش قرار گیرد.

اقدام: اینکه اقدام به‌هنگام در شرایط خاص اخلاقی نیز صورت گیرد از مسائلی است که مورد توجه آموزه‌های اخلاقی اسلام است. اصل به‌هنگامی بیان می‌کند که شخص پس از رسیدن به حکم درست اخلاقی و تصمیم‌گیری بتواند بدان مبادرت ورزد. در اصل یکی از چالش‌هایی که ممکن است در مثال سقط جنین صورت گیرد، آن است که تصمیم اخلاقی برای سقط جنین گرفته شود، ولی در موقع انجام چنین عملی با موانعی قانونی یا عدم زمینه‌های عمل مواجه گردد. به نظر می‌رسد اخلاق اسلامی با استفاده از ظرفیت منابعی که در اختیار دارد، چه منابع اصلی و چه منابع تبعی مثل فقه، اصول و کلام می‌تواند برای اقدامات اخلاقی بر اساس اقتضاها و موقعیتی که فاعل اخلاقی در آن قرار دارد، پیشنهادهایی ارائه دهد. نکته‌ی آخر اینکه وجه تمایز این تعریف نسبت به تعریف‌های رایج وسیع بودن دایره و قلمرو حضور اخلاق کاربردی و نیز منابع و مبانی فرایند تصمیم و اقدام در کار و فعل اخلاقی است. ما در مقاله‌ای مجزا اجزای تعریف فوق شامل موضوع، هدف و روش را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم.

نتیجه‌گیری

اخلاق کاربردی اسلامی دانشی است که می‌تواند با تکیه بر معارف اسلامی، آموزه‌های قرآن، حدیث و سیره در کنار دانش‌های تبعی مثل فقه، اصول و دیگر دانش‌های حوزه‌ی اسلامی زمینه‌ساز ترویج اخلاقیات در حرفه‌ها شود و نیز منجر به حل دشواری‌های اخلاقی در حوزه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی و حرفه‌ها گردد. این دانش مبتنی بر مبانی، اصول و روش‌های متخذ از دین سامان می‌پذیرد و بیش از آنکه رویکردی فلسفی داشته باشد، در صدد حل معضله‌ها و مشکلات

واقعی در حیات اخلاقی انسان به عنوان مخلوق خداست. در اصل اخلاق کاربردی برای گره‌گشایی در حیات انسان دین مدار است که در پیوند با دین زیست اخلاقی خود را معنادار می‌یابد. این دانش که بر مبنای حضور حداکثری دین در همه ابعاد زندگی است و قائل به تأثیرات مبانی الهیاتی در عرصه تبیین، قضاوت، تصمیم و عمل اخلاقی است، ضمن پذیرش عقل و تجارب بشری بر دریافت‌های باطنی و معنوی که منطبق با شاخص‌های معارف اسلامی است، تأکید دارد. از این رو می‌توان اخلاق کاربردی را دانشی چند تباری شمرد که برای رسیدن به مقصد و مقصود خود از چند دانش بهره می‌برد. بنابراین این حوزه از دانش اخلاقی، دانشی بین رشته‌ای است که برای حل معماهای اخلاقی با دیگر حوزه‌های علمی مرتبط می‌شود. در اصل حوزه‌های دانشی مثل پزشکی و مهندسی برای تشخیص و تصمیم درست اخلاقی کمک‌رسان هستند.

نکته‌ی آخر اینکه نمی‌توان از نوع نگاه دین و توجه همه جانبه‌ی آن به مسائل اخلاقی غافل بود. نگاهی که ضمن تأکید بر حوزه‌ی عقلانیت، مسائل اخلاقی را به شریعت گره زده و آنها را تافته‌ی جدا بافته نمی‌داند. در اصل، دین که شامل سه بخش عقاید، فقه و اخلاق است، این سه حوزه را هر چند به شکل مستقل قابل تحصیل هستند، ولی برای هدایت انسان به خدمت یکدیگر آورده است. عقاید دینی مبانی و پایه‌های نظریه‌ی هنجاری دین را شکل می‌دهد و فقه ضمانت برخی از حوزه‌های اخلاقی را تأمین می‌کند؛ البته منابع فرعی مثل تفسیر، فقه، اصول فقه و دیگر منابع اسلامی می‌تواند به شکل روش‌مند زمینه‌ی کمال این دانش نوحاسته را فراهم آورد. در این نگاه هم رشد و تعالی دنیایی و تصمیم‌گیری بر اساس منافع افراد محل توجه است و هم این تصمیم‌ها باید به هدایت و سعادت ابدی انسان بینجامد؛ لذا هویت اخلاق کاربردی اسلامی را می‌توان هویتی غایت‌گرایانه دانست که محور این غایت سعادت انسان است؛ سعادت‌تی که مؤلفه‌ها و مبانی و ساختارش را شریعت به عنوان دستورالعمل زندگی تعیین نموده است. در این صورت ضمن اینکه فقه و اخلاق هر دو ذیل دین معنا می‌یابند، سعادت انسان را زیر چتر دین رقم می‌زنند. در واقع اخلاق و فقه در معنای عام‌تر از این جهت که تحت حمایت و هدایت دین مسیر حیات انسان را تا ابدیت روشن می‌سازند، برای رساندن انسان به چنین هدفی به یکدیگر محتاج و نیازمند هستند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان‌نامه / رساله: این مقاله متخذ از رساله و پایان‌نامه نیست.

منابع

- اسلامی، محمد تقی. (۱۳۹۳). شناسنامه‌ی علمی اخلاق کاربردی. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اخلاق، ۷ (۲۵): ۷-۲۲.
- اسلامی، و همکاران. (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی: چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا. تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.
- خزاعی، زهرا. (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها، فصلنامه‌ی پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۹ (۱) (پیاپی ۳۳): ۱۷۵-۲۰۴.
- خزاعی، زهرا و همکاران. (۱۳۸۹). جستارهایی از اخلاق کاربردی. قم: دانشگاه قم. چاپ اول.
- رقوی، جواد، ۱۳۹۹، نسبت اخلاق و دین از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری. نشریه‌ی تأملات اخلاقی، ۱ (۳): ۴۷-۶۴.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۳). آن که به نام بازرگان بود نه به صفت، کیان، ش ۲۳، صص ۱۲-۲۱.
- شریفی، احمد حسین. (۱۳۹۰). چیستی اخلاق کاربردی، معرفت اخلاقی، ۲ (۳) (پیاپی ۷): ۸۳-۹۶.
- شریفی، و همکاران. (۱۳۹۶). دانش‌نامه‌ی اخلاق کاربردی. قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- قراملکی، احد فرامرز. (۱۳۷۶). مبانی جهت‌گیری دعوت انبیا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی. چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۸). هندسه‌ی معرفتی کلام جدید. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر. چاپ اول.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳). اخلاق در قرآن (سه جلدی) محقق: محمد حسین اسکندری. قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ نهم
- قراملکی، احد فرامرز و دیگران. (۱۳۹۶). اخلاق حرفه‌ای در مدرسه. تهران: مؤسسه‌ی خیریه‌ی آموزشی فرهنگی شهید مهدوی. چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۸). اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۹۰). بازخوانی سخنان آیت الله مصباح یزدی در مورد پالایش علوم انسانی. قابل دسترسی در: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی به آدرس: <https://mesbahyazdi.ir/node/3408>

Archard, David & Kasper Lippert-Rasmussen. (2013). "Applied Ethics" in: *The International Encyclopedia of Ethics*. Hugh LaFollette (ed.), pp. 320-335. Blackwell Publishing.

Gert, Bernard, 1982, "licensing Professions", in: *Business and Professional Ethics Journal* 1(4): 51- 61.

Beauchamp, Tom L. (1999). *Applied Ethics, in Macmillan Compendium philosophy and Ethics*; Macmillan Library Reference, USA.

Michael Davis. (Spring 1990). "The Ethics Boom: What and Why, The Centennial Review," in: *Ethics in the Professions, The Centennial Review*, 34 (2): 163-186, Published by Michigan State University Press.